

**تخفیف بی سابقه
در پروازهای
کابل - اسلام آباد - کابل**

دفتر مرکزی: سرک عمومی کلوه پشته
+93 796 800 002
+93 796 600 002
info@piaafg.com

روزهای پرواز
شنبه، یکشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه

Flight Schedule
Sat, Sun, Tue, Wed, Thu

PAKISTAN
International Airlines
Great Flights to Fly With





Azizi Bank

Master Card



[f](#) [in](#) [t](#) [v](#)
www.azizibank.af
1515

یادداشت روز صفحه ۲

جمعیت انبوه گرسنه

برنامه‌ی جهانی غذا اعلام کرده است که حدود ۴۰ درصد از مردم افغانستان با مشکل کمبود مواد غذایی مواجه هستند. این مجموعه بیش از ۱۱ میلیون نفر را در افغانستان تشکیل می‌دهند. براساس گزارش این نهاد، حدود ۴۰ درصد از کودکان نیز با مشکل سوء تغذیه‌ی مزمن گرفتاراند.

این درحالی است که کمک‌های بشردوستانه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی به افغانستان کاهش یافته و نهادهای امداد رسانی به این دلیل با چالش‌های جدی مواجه می‌باشند. در کنار این، عودت هزاران مهاجر از پاکستان و بیجا شدن هزاران خانواده در داخل کشور، مشکلات را مضاعف کرده و جمعیت بیشتری را به شکل بالقوه در معرض گرسنگی و قحطی قرار داده است...



**وزارت معارف:
بیش از ۱۰ میلیون نفر
در افغانستان
بی‌سواداند**

یک پیشکش - دو مفاد

این پیشکش فقط در شهر های ذیل قابل دسترس میباشد:

کابل، بلخ، سرپل، جوزجان، فاریاب، سمنگان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، وردگ، پنجشیر، لوگر، نورستان، کاپیسا، بامیان، لغمان، غزنی، کنړ، پروان و غور.



3.99

افغانی فی دقیقه

تماس به ۶ کشور جهان
هندوستان، پاکستان، چین، مالیزیا، آمریکا و کانادا





0.50

افغانی فی دقیقه

تماس از افغان بیسیم به افغان بیسیم

برای اشتراک: #۱*۴*۵۵۵* را دایل نمایید

فیس روزانه: ۴ افغانی

برای لغو اشتراک: #۲*۴*۵۵۵* را دایل نمایید

۱۵۲

یک‌شنبه	
۱۴سنبله	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۴۱	
اطلاعات روز	

یادداشت روز

جمعیت انبوه گرسنه

برنامه‌ی جهانی غذا اعلام کرده است که حدود چهل درصد از مردم افغانستان با مشکل کمبود مواد غذایی مواجه هستند. این مجموعه بیش از ۱۱ میلیون نفر را در افغانستان تشکیل می‌دهند. براساس گزارش این نهاد، حدود ۴۰ درصد از کودکان نیز با مشکل سوء‌تغذیه‌ی مزمن گرفتاراند. این درحالی است که کمک‌های بشردوستانه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی به افغانستان کاهش یافته و نهادهای امدادسانی به این دلیل با چالش‌های جدی مواجه می‌باشند. در کنار این، عودت هزاران مهاجر از پاکستان و بیجا شدن هزاران خانواده در داخل کشور، مشکلات را مضاعف کرده و جمعیت بیشتری را به شکل بالقوه در معرض گرسنگی و قحطی قرار داده است.

مساله‌ی فقر و کمبود غذا و همچنین ناامنی با یکدیگر رابطه‌ی متقابل دارند. از یک‌طرف ناامنی به مشکلات فقر و کمبود غذا در کشور دامن می‌زند، از سوی دیگر فقر می‌تواند باعث ناامنی در جامعه گردیده و جبهات جنگ و صفوف نیروهای مخالف مسلح و گروه‌های غیرمسئول و مافیایی را تقویت کند.

در حالی‌که بخش اعظم توجهات به مساله‌ی امنیت در افغانستان متمرکز شده است، بسیاری از مسائل دیگر از جمله مشکلات اقتصادی؛ فقر، کمبود غذا و ده‌ها مساله‌ی دیگر عملاً به فراموشی سپرده شده است. آماری را که برنامه‌ی جهانی غذا منتشر کرده، در نوع خود تکان‌دهنده است و از یک بحران وحشتناک در جامعه پرده برمی‌دارد. قحطی و کمبود غذا هرچند همواره در افغانستان وجود داشته، اما هیچگاهی بدین پیمانه نبوده است. جمعیت کثیری که اکنون با این مشکل مواجه می‌باشند، قطعاً کل جمعیت فقیر، درمانده و قحطی‌زده‌ی کشور را تشکیل نمی‌دهند و این رقم با توجه به ناامنی‌های گسترده و جابه‌جایی بی‌رویه‌ی جمعیت در کشور، هرلحظه در حال افزایش است.

این مشکل بخشی از مشکلات کلی در زمینه‌ی اقتصادی می‌باشد که با شکل‌گیری حکومت وحدت ملی در افغانستان به‌وجود آمده است. در طول دو سال عمر حکومت وحدت ملی، رشد اقتصادی بسیار ناچیز بود و آن جهشی را که اقتصاد افغانستان در طی سال‌های قبل از آن تجربه کرده بود، از دست داد. فراتر از آن برنامه‌های حکومت در بخش اقتصاد، فرار سرمایه‌ها، خروج نیروهای خارجی و بی‌اعتمادی عمومی، زمینه را برای تعمیق مشکلات اقتصادی، گسترش فقر و بیکاری در سطح جامعه فراهم ساخت. برنامه‌ی ملی اشتغال‌زایی که از سوی حکومت به‌راه انداخته شد، عملاً موثر واقع نشد و شمار بی‌کاران روزبه‌روز افزایش یافت. این درحالی است که دست‌کم در کوتاه‌مدت حکومت برنامه‌یی مشخص برای بهبود وضعیت روی دست ندارد و نمی‌تواند کار موثری را در این زمینه انجام دهد.

درحال‌حاضر، تنها نهادهای امدادرسان بین‌المللی برای کمک به این جمعیت بزرگ فقرزده فعال‌اند که به‌دلیل کاهش کمک‌ها در این بخش آنان نیز با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. اگر مراجعی برای کمک به این نهادها پیدا نشود، قطعاً کمبود بودجه، روند امدادسانی را به جمعیت فقرزده‌ی کشور در زمستان پیش‌رو، متوقف و یا دست‌کم متأثر خواهد ساخت. این امر، در نهایت شرایط را برای جمعیتی که با کمبود غذا مواجه‌اند و نیاز به کمک فوری دارند، سخت‌تر خواهد کرد و چه‌بسا، زمینه‌ساز فاجعه و بحران انسانی گردد. با توجه به دشواری‌های مردم در فصل سرما به‌خصوص مشکلاتی که جمعیت بیجاشده با آن مواجه می‌باشند، دولت باید از هم‌اکنون اقداماتی را در همکاری با نهادهای بین‌المللی روی دست بگیرد. مهم‌ترین اقدام در این زمینه، جذب کمک‌های بیشتر مالی است که باید تا قبل از رسیدن فصل سرما انجام گیرد. برای این کار وقت کافی هم وجود ندارد، زیرا سرما و سختی زمستان اندک‌اندک از راه می‌رسد.

اطلاعات روز: اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف که در محفلی به‌مناسبت بزرگداشت از هفته‌ی سوادآموزی صحبت می‌کرد، گفت هم‌اکنون بیش از ۱۰ میلیون نفر که حدود ۶۰ تا ۶۱ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بی‌سواداند. آقای بلخی به روز شنبه گفت محو این پدیده مسئولیت‌پذیری همه‌ی شهروندان به‌ویژه دولت را می‌خواهد. آقای بلخی تأکید کرد که فقر، بدبختی و جنگ از جمله عوامل بی‌سوادی است و برای ریشه‌کن ساختن این پدیده افغانستان نیاز به اجماع ملی دارد. آقای بلخی گفت: «هموطنان ما نسبت به هر زمانی دیگر به اهمیت سواد پی برده و آن را یگانه راه پیشرفت و ترقی افغانستان می‌دانند؛ پس محو بی‌سوادی، مبارزه‌ی همه‌ی افراد جامعه را می‌طلبد.» هفدهام سنبله روز جهانی سواد است و در افغانستان از ۱۰ تا ۱۷ این ماه را هفته‌ی مبارزه با بی‌سوادی نام گذاشته شده است. در همین حال آقای بلخی گفت برنامه‌ی سوادآموزی

وزارت معارف: بیش از ۱۰ میلیون نفر در افغانستان بی‌سواداند

وزارت معارف تا هنوز ۶.۵ میلیون نفر را تحت‌پوشش قرارداده و هم‌اکنون نیز حدود ۱.۱ میلیون نفر دیگر در کورس‌های سوادآموزی این وزارت درس می‌خوانند. مقام‌ها در وزارت معارف می‌گویند بی‌سوادی یکی از چالش‌های بزرگ است و در حال‌حاضر ۱۰ میلیون نفر در کشور بی‌سواد هستند. هرچند در سال‌های اخیر برنامه‌های زیادی برای محو بی‌سوادی به راه انداخته شده، ولی با گسترش ناامنی، تطبیق این برنامه‌ها محدودتر شده است.

سردار محمد رحیمی، معین سوادآموزی این وزارت گفت تا زمانی که مبارزه با بی‌سوادی به یک مسئولیت دینی و ملی تبدیل نشود، محو آن امکان‌پذیر نیست .

آقای رحیمی افزود بی‌سوادی در کشور یک چالش بزرگ است ولی بودجه‌یی که دولت برای مبارزه با آن اختصاص داده، یک‌درصد کل بودجه‌ی معارف را تشکیل می‌دهد که با توجه به وضعیت کنونی کشور بسیار ناچیز است.

معاون سواد آموزی گفت، اگر برنامه‌های سوادآموزی

ایجاد کمیته‌ی مشترک

برای حل اختلاف‌ها میان غنی و عبدالله

اما نگرانی‌ها این است که تنش‌های سیاسی میان رئیس‌جمهور و رئیس اجراییه، ریشه در تقسیم قدرت دارد و حل این اختلاف‌ها زمان‌گیر خواهد بود.

سیلاب وزیری، آگاه امورسیاسی، گفته است: «ادامه‌ی این اختلاف‌ها سبب بُحران در کشور خواهد شد و رهبران حکومت نباید تمامی خواست‌های مردم را قربانی منافع شخصی‌شان کنند.»

تنش سیاسی میان رهبران حکومت وحدت ملی پس از آن بالا گرفت که عبدالله عبدالله از عدم تطبیق موافقت‌نامه‌ی سیاسی ایجاد حکومت ملی از رئیس‌جمهور غنی شدیداً انتقاد کرد.

تاکنون هردو رهبر سه بار نشست مشترک برگزار کرده‌اند. ریاست اجراییه می‌گوید که آقایان غنی و عبدالله در نشست سوم در مورد «اصلاح نظام انتخاباتی، توزیع تذکره‌های الکترونیکی، تشکیل

مطابق به شرایط کنونی کشور به پیش برده شود، تا سال ۲۰۲۰ سطح بی‌سوادی تا ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت و بیشتر از آن ممکن نخواهد بود.

رحیمی گفت: «ما چگونه می‌توانیم بر چالش ده میلیون بی‌سواد فایق آییم. چرا که رابطه‌ی مستقیم بین بی‌سوادی و ثبات وجود دارد. بی‌سوادی ریشه‌ی مستقیم ناامنی و بی‌ثباتی در کشور است.»

آقای رحیمی خاطرنشان کرد که با وجود تلاش‌هایی که وزارت معارف انجام می‌دهد، همچنان سالانه نزدیک به دو میلیون کودک از تعلیم باز می‌ماند و به جمع بی‌سوادان می‌پیوندند. او گفت این امر نیز کاهش سقف بی‌سوادی را برای معینیت سوادآموزی دشوار می‌کند.

وزارت معارف از رسانه‌های دولتی و خصوصی کشور می‌خواهد که در مبارزه با بی‌سوادی این وزارت را کمک کنند.

با این‌حال، صدیق‌الله توحیدی، رییس دفتر نی یا حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان نیز بی‌سوادی را عامل اصلی فقر، ناامنی، خشونت و تقویه‌ی تفکر افراط‌گرایی در کشور خواند و از عدم توجه دولت انتقاد کرد.

آقای توحیدی گفت در افغانستان متأسفانه دولت و زمامداران امور به محو بی‌سوادی که مسأله‌ی اساسی در کشور است، «بها نمی‌دهند» و به همین خاطر نرخ بی‌سوادی در ۱۵ سال گذشته در کشور کاهش قابل توجهی نیافته است.

کمیسیون تعدیل قانون اساسی و تعیین اعضای کمیته‌ی نظارت بر تطبیق قانون اساسی» به «توافقاتی» دست یافتند.

از سوی هم کمتر از دو ماه به دوسالگی حکومت وحدت ملی باقی مانده است. در مدت دو سال، حکومت به بسیاری از تعهداتش عمل نکرده و مواد اصلی موافقت‌نامه‌ی سیاسی نیز عملی نشده و از همین رو حکومت ممکن با بحران عدم مشروعیت مواجه شود.

با نزدیک شدن به زمان پایان موافقت‌نامه‌ی سیاسی ایجاد حکومت ملی اکنون دکتر رنگین دادفر اسپینتا، مشاور پیشین شورای امنیت ملی به رهبران حکومت هشدار می‌دهد که برای رفع بحران مشروعیت دست به کار شوند در غیر آن صورت مردم درباره‌ی آنان تصمیم خواهند گرفت.

آقای اسپینتا به خبرگزاری جمهور گفته است که سران حکومت وحدت ملی باید هرچی زودتر، راه‌حل سیاسی را برای عبور از بحران کنونی، جست‌وجو کنند.

در همین حال عدم برگزار لویه جرگه‌ی قانون اساسی نیز در مدت دو سال انتقادهایی را به‌بار آورده است.

در همین حال گزارش‌هایی حاکی است که نریندرا مودی، نخست‌وزیر هند که به بنگلادیش سفر کرده اعلام کرده است که کشورش برای تجهیز و تقویت نیروهای امنیتی افغانستان سهم بیشتر خواهد گرفت. او گفته که هند تمایل دارد به افغانستان کمک‌های بیشتر نظامی ارائه کند.

آقای مودی روز جمعه که با مقام‌های بنگلادیشی صحبت می‌کرده گفته است که از رئیس‌جمهور غنی برای دیدار از هند دعوت کرده و در این سفر در مورد همکاری‌های نظامی صحبت خواهد کرد.

به گفته‌ی نخست‌وزیر هند، در سفر رئیس‌جمهور غنی به هند، این کشور تعهد کمک‌های بیشتر نظامی را به دولت کابل خواهد کرد.

روزنامه‌ی اکونومیک تایمز همچنان در گزارش دو روز قبلس نوشته است که هند در ماه روان میلادی میزبان رئیس‌جمهور غنی خواهد بود.

این روزنامه نوشته که دهلی‌نو تلاش دارد علاوه بر چهار فروند هواپیمای نظامی که به افغانستان کمک کرده، حمایت‌های دفاعی خود از کابل را گسترش دهد.

والی کنر: داعش در این ولایت سرباز گیری می کند

داعشی در نقاط مختلف کنر تبلیغات و جلب‌وجذب می‌کنند اما تاکنون هیچ داعشی مسلح در کنر دیده نشده است.»

اما جمعه گل همت، فرمانده پولیس کنر اطمینان می‌دهد که نیروهای امنیتی به داعشیان اجازه نخواهند داد تا در این ولایت مرکزهای‌شان را ایجاد کنند.

آقای همت گفته: «من باور دارم که کنریان، بزرگان قوم کنر با داعشیان مخالفت دارند و همین مخالفت سبب می‌شود که داعشیان در کنر جای نخواهد داشت و اگر کدام فعالیت شروع کنند با مخالفت سخت

اطلاعات روز: رسانه‌های هندی گزارش داده است که به‌تازگی وزارت دفاع ملی افغانستان فهرستی از تجهیزات را به دولت هند تحویل داده است تا افغانستان را بیشتر در بخش نظامی کمک کند. روزنامه‌ای اکونومیک تایمز، دپروز گزارش داد که افغانستان فهرستی جدید از سلاح‌های مورد نیاز نیروهای امنیتی و دفاعی خود از جمله هواپیماهایی جنگی بیشتر و وسایل حمل‌ونقل سنگین را به دهلی‌نو ارائه کرده است.

محمد رادمش، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی در این مورد به رسانه‌ها گفته است که: «کمک‌های هند برای افغانستان در بخش‌های آموزش، پرورش و تجهیزات نظامی هوایی بوده و در آینده نیز این

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت کنر در شرق کشور اعلام کرده‌اند که نزدیک به ۳۰۰ عضو گروه داعش برای تقویت و سربازگیری در این ولایت مصروف تبلیغات هستند.

وحیدالله کلیمزی، والی کنر گفته است شماری از افراد و باشندگان کنر که برای یکجا شدن با گروه داعش به ننگرهار رفته بودند، اکنون دوباره به این ولایت برگشته‌اند و سرگرم تبلیغ برای این گروه هستند.

آقای کلیمزی افزوده: «قرار معلومات در حدود سه‌صد

^[1] نیروهای امنیتی و کنریان روبه‌رو می‌شوند.»

^[2] در همین حال داعش گفته می‌شود که گروه داعش در شش ولسوالی کنر فعالیت دارند و به تازگی روند آموزش را

^[3] نیز در این ولایت آغازکرده‌اند.

^[4] گروه داعش پیش از این بیشتر در ولایت ننگرهار فعالیت داشت. این گروه بیشتر در ولسوالی اچین و کوث فعالیت داشت و چندین مورد با نیروهای امنیتی کشور درگیر شدند. گزارش‌ها حاکی است پس از آن‌که عملیات زمینی وهوایی نیروهای امنیتی در برابر جنگجویان داعش در ننگرهار به راه افتاد و به جنگجویان این گروه تلفات سنگین وارد شد، داعشیان به ولایت‌های کنر و نورستان رو آوردند و فعالیت‌های‌شان را در این بخش‌ها آغاز کرده‌اند.

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

مسیرهای رسیدن به جنرالی

من اگر روزی رئیس‌جمهور افغانستان شوم، اولین خواهشی که از خارجی‌ها خواهم کرد، این خواهد بود که پیش از آمدن به افغانستان، حداقل تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی افغانستان را بخوانند. گرچه آدم فکر می‌کند که تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی یک کشور، باید حداقل ۱۰۰۰ جلد باشد و هر جلد آن، کم‌ازکم، ۲۰۰۰ صفحه داشته باشد، اما ما استثناء هستیم. تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی ما این قدر سخت نیست. ما حتا شجاعت خویش را در ثبت تاریخ هم ثابت کرده‌ایم. به این معنا که اگر احیاناً خدای نخواست کدوم کشور دیگری هم یافت شود که تاریخ پنج‌هزار ساله داشته باشد، خواندن کامل آن تاریخ پنج‌هزار ساله ممکن پنج یا شش سال وقت بگیرد اما ما با شجاعت و ایثاری که داشته‌ایم و داریم، چنان تاریخ ثبت کرده‌ایم که یک هفته برای خواندن کامل آن کافی است.

حالا اگر شما از من بپرسید که تو اگر رئیس‌جمهور شوی، چرا از خارجی‌ها خواهی خواست که تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی افغانستان را قبل از آمدن به افغانستان بخوانند؟ جواب سوال شما این‌طور است: چند روز پیش، سرپرست یوناما در تلویزیون آمد و چنان قیافه‌ی حق‌به‌جانب گرفته بود که من اول فکر کردم او حتماً کدام کشف علمی کرده که بشر در طول چندین هزار سال موفق به کشف آن نشده. بعدش که شروع کرد به سخن گفتن، گفت که در افغانستان متأسفانه رتبه‌ی جنرالی در بدل پول به فروش می‌رود. شکایت داشت که اکثر جنرالان کنونی، به اندازه‌ی یک بریدمل تعلیم دیده هم از مسایل نظامی آگاهی ندارند. به این ترتیب می‌خواست بگوید که سقوط قندوز و هلمندی در آستانه‌ی سقوط از خیرات سر همین جنرال‌های پولی‌اند.

یکی هم نبود که به آقای سرپرست یوناما بگوید که نمی‌ارزد این قدر قیافه‌ات را شش‌ونیم بگیري! برو تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی ما را بخوان و ببین که ما چه چیزهایی را در بدل پول فروخته‌ایم، بعدش خود به‌خود اعصاب آرام می‌شود.

حالا شما به راستی راستی فکر نکنید که سرپرست یوناما خبری از تاریخ باشکوه ما ندارد، این جماعت از همه چیز باخبرند. کلمه‌به‌کلمه می‌خوانند تا بدانند. تا جایی که من خبر دارم نه‌تنها رتبه‌ی جنرالی که از پایین‌ترین رتبه گرفته تا جنرالی، همه‌اش در بدل پول به فروش می‌رود. این‌طور نیست که همیشه در بدل پول به فروش برود، گاهی تحفه داده می‌شود. مثلاً همین چندوقت پیش، یکی از استرجنرالان کشور مرحوم شد و همین که مراسم فاتحه‌اش تمام شد، رئیس‌جمهور اشرف غنی رتبه‌ی جنرالی را بر بازوی پسرش چسباند. نام خدا پسر آن مرحوم طی چند هفته، از پدر مرحومش کرده جنرال‌تر شد.

حالا اگر بخواهیم در کل بررسی که کنیم که جنرالان افغانستان چه مسیرهایی را برای جنرال شدن می‌پیمایند، سه مسیر مشخص می‌شود.

یک، مسیر آموزشی و تجربی: این مسیر در حال حاضر خلوت است. کمتر کسی حاضر است سال‌ها بیاموزد و تلاش کند تا جنرال شود. خریدار هم ندارد. گفته می‌شود جنرالانی که از این مسیر می‌آیند همیشه برای بقیه مزاحم‌اند. خیلی سخت قانع می‌شوند که طالبان در اطراف شهر رسیده باشند و آن‌هایی تفاوت و خاموش باشند.

دو، مسیر پولی: این مسیر ساده و بی‌خطر است. مبلغی را پیدا می‌کنی، رتبه می‌خری و می‌شوی جنرال. اگر خدا عقبت را کور نیاورده باشد، ظرف یک سال هم کل مصرف را پس به‌دست می‌آوری هم به اندازه‌ی تمام عمر پدرت کار می‌کنی.

سه، مسیر قبلگاه بزرگوار: این مسیر شرط اولش این است که قبلگاه بزرگوارت جنرال باشد، مهم نیست او از چه راهی رسیده. شرط دومش این است که مثلاً مشاور رئیس‌جمهور باشد و شرط سومش این است که او حین انجام وظیفه، مرحوم شود. سپس به‌عنوان فرزند جنرالی که مشاور رئیس‌جمهور بوده، رتبه‌ی جنرالی به شما می‌رسد. اگر کدام کسی از نزدیکان‌تان چالاکي نکند، حتا مقام مشاوریتش هم به شما می‌رسد اما اگر چالاکي شد، دست‌تان کوتاه می‌ماند.

البته مسیرهای قاچاقی دیگری هم وجود دارد. مثلاً ممکن است شما کسی باشید که از جنایت یک فرد قدرت‌مند باخبرید، دیگران به اندازه‌ی شما نمی‌فهمند و آن فرد قدرت‌مند می‌خواهد شما سکوت کنید. شما در برابر سکوت خویش، گاهی از او رتبه‌ی جنرالی دریافت می‌کنید، مهم نیست او آن رتبه را از چه مسیری برای شما فراهم می‌کند.

راهکار موقت متزلزل و شکننده در افغانستان

فاینشیل تایمز / احمد رشید

ترجمه: حمید مهدوی



این می‌تواند وحدت ملی را بازسازی کند، در حالی که افراد نزدیک به رئیس‌جمهور می‌گویند که این کار صرف تنش‌های سیاسی را بیشتر خواهد ساخت. این ستیزه و کشاکش به این معناست که سلسله‌مراتب حکومتی قطبی شده است. تلاش‌های آقای غنی برای مهار فساد خود حکومت را تضعیف کرده است چون او مقام‌های فاسد را برکنار می‌کند، اما پس از آن توانایی انتصاب جانشین آن‌ها را ندارد.

در ارتش نیز اختلافات عمیقی وجود دارد. در ولایات، هیچ یکی از واحدهای جداگانه‌ی ارتش، نیروهای ویژه، پولیس، ملیشه‌های منطقه‌ی و روستاها و جنگ‌سالاران محلی که به‌ظاهر همه در کنار حکومت هستند، آماده‌ی همکاری یا پذیرش یک رهبر واحد نیستند تا در برابر طالبان مقاومت کنند. در عین‌زمان، ارتش باید با لجستیک ضعیف و ترک خدمت ستیزه کند - دلیل بخشی از پیشرفت‌های اخیر طالبان این بوده است که سربازان [در میدان نبرد]، اسلحه و غذا یا آب تمام می‌کنند.

با از دست رفتن این چنینی کنترل مرکزی در ولایات و نبود سلسله‌ی فرماندهی واضح و مشخص فقر، فساد و تجارت مواد مخدر هم‌زمان با بحران اقتصادی روبه‌رشد که باعث شده است ده‌ها هزار افغان برای رسیدن به اروپا تلاش کنند، رشد کرده است. ایالات متحده تمایلی ندارد اذعان کند که اوضاع امنیتی چقدر خراب شده است و دلیل آن تاحدودی آرزوی حصول اطمینان از این است که اتحاد شکننده میان آقای غنی و آقای عبدالله فرو نخواهد پاشید. افغان‌ها می‌گویند که تنها امریکایی‌ها مانع فروپاشی نظام شده‌اند.

موفقیت‌های طالبان دیگر گروه‌های تروریستی منطقه‌ی را به داخل می‌کشاند. مقام‌های ناتو اخیراً به من گفتند که در میان دیگر گروه‌هایی که در کنار طالبان می‌جنگند افرادی از کشورهای آسیای مرکزی، چینی‌ها، اویغورهای چین، عرب‌های وابسته به القاعده و پشتون‌ها و پنجاب‌های پاکستان شامل‌اند. آن‌ها از افغانستان به‌عنوان پایگاهی استفاده می‌کنند که از آن به کشورهای خودشان حمله می‌کنند. تروریستان اسلام‌گرا که از افغانستان و پاکستان به کشورهای دیگر می‌روند مهار نمی‌شوند مگر این‌که تعهد کلان‌تر بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ وجود داشته باشد. مسأله، مسأله‌ی سربازان خارجی بیشتر نیست بلکه مسأله‌ی فشار بین‌المللی بیشتر بر جناح‌های افغان است تا اختلافات‌شان را درمان کنند و فشار بر همسایه‌هایی چون پاکستان و ایران است که همچنان میزبان برخی از گروه‌های طالبان هستند. حکومت امریکا ظاهراً تمایلی به تعهدات بیشتر قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه نوامبر ندارد. امیدوار باشیم افغانستان در عین‌زمان از داخل انفجار نکند.

در ارتش نیز اختلافات عمیقی وجود دارد. در

ولایات، هیچ یکی از واحدهای جداگانه‌ی

ارتش، نیروهای ویژه، پولیس، ملیشه‌های

منطقه‌ی و روستاها و جنگ‌سالاران محلی

که به‌ظاهر همه در کنار حکومت هستند،

آماده‌ی همکاری یا پذیرش یک رهبر واحد

نیستند تا در برابر طالبان مقاومت کنند. در

عین‌زمان، ارتش باید با لجستیک ضعیف

و ترک خدمت ستیزه کند - دلیل بخشی از

پیشرفت‌های اخیر طالبان این بوده است

که سربازان [در میدان نبرد]، اسلحه و غذا یا

آب تمام می‌کنند.

گزارش‌ها رئیس‌جمهور اشرف غنی می‌گویند که حمله بر دانشگاه از پاکستان «سازماندهی و هماهنگ» شده بود. اسلام‌آباد این اتهام را رد می‌کند اما ایالات متحده و افغانستان را سرزنش می‌کند که دنبال چرخبال و اسلحه از هند، همسایه‌ی مغفورش، هستند تا نیروهای افغانستان را تقویت کنند.

یک مشکل کلان از خود کابل برخاسته است. آقای غنی و عبدالله عبدالله، شریک ائتلافی او، از دیروقت بدین‌سو باهم مخالفت شدیدی داشته‌اند. تا همین اواخر آن‌ها برای سه ماه دیدار نکرده بودند. خبرنگاران و مقام‌های افغان به من می‌گویند که تصمیم‌گیری در حکومت، به‌ویژه در انتصاب‌های کلیدی، فلج شده است و در مورد استراتژی سیاسی و امنیتی هیچ توافق وجود ندارد. یکی از رهبران هرچه بگوید، دیگری نمی‌پذیرد. این امر اختلاف قومی را بیشتر ساخته است و آقای غنی تلاش دارد تا پشتون‌های خودش را انتصاب کند و آقای عبدالله با تاجیک‌ها و دیگر گروه‌های اقلیت همین کار را انجام می‌دهد.

یک جناح سیاسی دور آقای عبدالله جمع شده است و تلاش دارد او را وادار بسازد که حکومت را ترک کند، مگر این‌که آقای غنی دست به اصلاحات انتخاباتی و سیاسی بزند که دو سال قبل وعده داده بود. جناح دیگر، اکثراً پشتون‌های جنوب، دور حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین، جمع شده است و خواستار کناره‌گیری آقای غنی است، مگر این‌که برای بازسازی حکومت لویه‌جرگه برگزار کند. در توافق اصلی برای این کار ضرب‌الاجل ماه سپتامبر تعیین شده بود و آن‌ها می‌گویند که صرف

افغانستان در چنگال هرج‌ومرج است، هرج‌ومرجی که نه‌تنها از پیشرفت طالبان و متحدان تروریستی خارجی‌اش در جریان تهاجم تابستانی‌شان نشأت گرفته است بلکه از یک بحران رهبری در کابل که به نیروهای مسلح منظم و غیر منظم اعزام‌شده توسط حکومت سرایت کرده است نیز ناشی شده است و اختلافات قومی و سیاسی در این کشور را گسترده‌تر ساخته است و به بدتر شدن بحران اقتصادی کمک کرده است.

این فصل شاهد وضع امنیتی وخیمی بوده است - اما ظاهراً ایالات متحده تمایل به پذیرفتن این ندارد که اوضاع امنیتی چقدر خراب شده است. حداقل مرکز دو ولایت - لشکرگاه، ویژه مرکز ولایت هلمند در جنوب و قندوز در شمال - توسط طالبان محاصره شده‌اند، طالبانی که تمام راه‌های منتهی به این دو شهر را مسدود کرده‌اند. سه تن از نیروهای ویژه امریکایی در هلمند کشته شده و ۱۰۰ تن اعزام شده‌اند تا به نیروهای افغان در زمینه‌ی هماهنگی دفاع از لشکرگاه کمک کنند. جنگ شدیدی در شرق کشور جریان دارد، جایی که طالبان در اواخر ماه آگست، پس از تصرف ولسوالی‌های کلیدی در مرز پاکستان، جبهه‌ی جدیدی را در ولایت پکتیا باز کردند. در بهترین حالت، نیروهای غربی و افغان عملیات موقت انجام می‌دهند که تاکنون از سقوط یک شهر کلان به‌دست طالبان جلوگیری کرده است. دلیل آن عمدتاً ایالات متحده است که حملات هوایی بر واحدهای طالبان را افزایش داده است.

اما اوضاع در مناطق شهری در حال بدتر شدن است. شبکه‌ی حقانی - شریک‌ترین و بدطینت‌ترین نیروی طالبان - احتمالاً مسئول حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان در کابل در ۲۵ آگست بود که ۱۶ تن، از جمله هشت دانشجو، را کشت و ۵۳ تن را زخمی ساخت. (هرچند هیچ گروهی مسئولیت آن را برعهده نگرفته است). گروه ستیزه‌جوی داعش نیز نمایشی مرگبار داشته است و در کشور بدترین حمله‌ی شهری‌اش را انجام می‌دهد. یک بمب‌گذار انتحاری این گروه در ۲۳ ماه جولای ۸۴ تن را در کابل کشت و ۲۳۰ تن، عمدتاً از گروه قومی هزاره، را زخمی ساخت.

حملات اخیر به این واقعیت اشاره دارد که هر دو گروه داعش و طالبان که رقیبان سرسخت یکدیگرند، اکنون در پایتخت سلول‌های بسیار فعالی دارند. در حقیقت، طالبان چنان مطمئن هستند که آن‌ها در ۳۰ ماه آگست ملا ابراهیم سردار، متحد نزدیک ملا عمر، را فرمانده جدید نظامی تعیین کردند، در حالی که آن‌ها مناطق بیشتری را تصرف کرده و هرگونه گفت‌وگوهای صلح را رد می‌کنند. روابط کابل با پاکستان که همچنان از رهبران طالبان میزبانی می‌کند در بدترین حالت است و قرار

در اولین دور مبارزات انتخاباتی اوباما برای ریاست جمهوری بود که این سناتور استدلال کرد که به دلیل حمله آمریکا به عراق، از جنگ در افغانستان غفلت شده است. اوباما در سال ۲۰۰۸ گفت: «به همین دلیل من به عنوان رئیس جمهور جنگ علیه القاعده و طالبان را در اولویت کاری ام قرار خواهم داد، آن گونه که باید باشد. این جنگی است که پیروزی باید از آن ما باشد.»

هشت سال بعد، پس از رسیدن نیروهای آمریکایی در افغانستان به ۱۰۰ هزار و بعدا کاهش این تعداد به کم تر از ۱۰ هزار، حالا کم تر صحبتی در مورد «پیروزی» در این جنگ است. دولت افغانستان به مبارزه علیه شورشیان طالبان ادامه می دهد و اوباما می گوید جانشین اش گام های بعدی سیاست آمریکا را بر خواهد داشت.

اما، نه هیلاری کلinton، نامزد حزب دموکرات و نه هم دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوری خواهان برنامه های خود را که قرار است انجام شود، مطرح کرده اند. در حقیقت در طول یک سال گذشته نامزدان ریاست جمهوری آمریکا، به خود جنگ هم به ندرت اشاره کرده اند.

ترامپ، کلinton در سیاست افغانستان

ایالت متحده عمیقاً در افغانستان درگیر مانده است، اگرچه به طور چشم گیری تعداد سربازانش را کاهش داده است. اوباما برای کمک و پشتیبانی مالی نیروهای امنیتی افغانستان، خواستار ۳،۴۵ میلیارد دلار شده است. او توصیه کرده که جانشین اش این کمک مالی را تا سال ۲۰۲۰ تا همین سطح حفظ کند. آموزگاران نظامی آمریکا، به مشوره دهی به نیروهای افغانستان ادامه می دهند و جنگنده های آمریکایی با حملات هوایی نیروهای افغانستان را در میدان جنگ یاری می رسانند. کلinton گفته است که او از برنامه ی اوباما برای کاهش نیروهای آمریکا حمایت می کند، اما در مورد طرح های خودش در صورتی که رئیس جمهور شود، چیز زیادی نگفته است. در ماه نوامبر سال گذشته در جریان یک سخن رانی او با تمرکز بر گروه تندرو دولت اسلامی، پیشنهاد کرد که افغانستان برای تامین امنیت خود باید مسئولیت بیشتر بگیرد. او گفت: «اگر ما چیزی از جنگ ۱۵ ساله در افغانستان و عراق آموخته باشیم، آن چیزی است که مردم محلی و ملیت ها باید جامعه ی خود را امن بسازند. ما می توانیم آن ها را حمایت و باید این کار را بکنیم، اما ما نمی توانیم بدیل آن ها باشیم.»

کلinton زمانی که نامزدی حزب اش را برای ریاست جمهوری پذیرفت، در سخن رانی جامع سیاسی اش اشاره یی به جنگ نکرد. وب سایت مبارزات انتخاباتی اش که در برگزیده ی موضوعات سیاسی مختلف است، به هیچ طرحی در مورد افغانستان اشاره نکرده است.

ترامپ در مورد دیدگاه های خود درباره ی افغانستان صریح تر بوده است و زمانی خواستار خروج کامل [نیروهای آمریکا از افغانستان] شده بود. در ماه جنوری ۲۰۱۳ او در توئیت خود نوشته بود که آمریکا باید سریعاً افغانستان را ترک کند. ترامپ در ماه اکتوبر سال گذشته به سی.ان.ان گفت که جنگ افغانستان اشتباه بوده است و نگران است که آمریکا در آن جا گیر بماند. ترامپ پرسید: «آیا آن ها [نیروهای آمریکایی] تا ۲۰۰ سال دیگر در آن جا می مانند؟ در وهله ی اول ما اشتباه وحشتناکی مرتکب شدیم، ما متفکران زیرکی داشتیم که نمی دانستند چه غلطی می کنند. و این یک شلوغ کاری بود.»

بعداً در همان ماه، ترامپ به سی.ان.ان گفت که فکر نمی کرد که جنگ در افغانستان اشتباه بوده، و ارجحیت این بود که آمریکا خود را درگیر جنگ در عراق نمی کرد.

آیا وضعیت افغانستان بدون مواظبت آمریکا بهتر می شود؟

جان فورتیر، رئیس پروژه ی دموکراسی در مرکز دو حزبی، معتقد است که تمرکز در گذشته بر افغانستان چیزهای زیادی داشت که با بحث های سیاسی روی این که جنگ در عراق یک اشتباه بود که سبب گسترش ضعف ارتش آمریکا شد و در نهایت چالش ها را در افغانستان افزایش داد. فورتیر گفت: «[اگر] به سال ۲۰۰۸ برگردیم، به نظر من [حضور] ما در افغانستان در بخشی از مبارزات انتخاباتی نقش مهمی را بازی کرد. زیرا در آن زمان محبوبیت رئیس جمهور بوش کاهش یافته بود، استدلال های دموکرات ها به طور عموم و استدلال رئیس جمهور اوباما به طور خاص در مورد جنگ عراق این بود که باید این جنگ [با جنگ افغانستان] هم زمان نمی شد و این جنگی نبود که باید انجام می شد و وضعیت افغانستان طوری است که ما باید در آن جا از نیروی نظامی استفاده کنیم.» جمهوری خواهان از کارکرد سال های اخیر اوباما در مورد افغانستان به ویژه از اعلام تصمیم او مبنی بر عقب نشینی تدریجی نیروهای نظامی از افغانستان، انتقاد کرده اند. این عقب نشینی به عقیده ی آن ها پیامی به طالبان است که واشگتن در قبال جنگ افغانستان متعهد نیست. هر چند، مایکل اوهانلون رئیس بخش تحقیقات سیاست خارجی در موسسه ی بروکینگز به صدای آمریکا گفت که حتا منتقدان سیاست اوباما بدیلی سیاسی در این مورد ارائه نمی کنند. او هالون گفت:

افغانستان: نبرد فراموش شده ی آمریکا در مبارزات ریاست جمهوری

صدای آمریکا / حسین دانش الکوزی
ترجمه: علی احمدی



ترامپ در مورد دیدگاه های خود درباره ی افغانستان صریح تر بوده است و زمانی خواستار خروج کامل [نیروهای آمریکا از افغانستان] شده بود. در ماه جنوری ۲۰۱۳ او در توئیت خود نوشته بود که آمریکا باید سریعاً افغانستان را ترک کند. ترامپ در ماه اکتوبر سال گذشته به سی.ان.ان گفت که جنگ افغانستان اشتباه بوده است و نگران است که آمریکا در آن جا گیر بماند. ترامپ پرسید: «آیا آن ها [نیروهای آمریکایی] تا ۲۰۰ سال دیگر در آن جا می مانند؟ در وهله ی اول ما اشتباه وحشتناکی مرتکب شدیم، ما متفکران زیرکی داشتیم که نمی دانستند چه غلطی می کنند. و این یک شلوغ کاری بود.

در مورد مشارکت [در جنگ] افغانستان.»

تعداد سربازان آمریکا

کاهش علاقه ی آمریکا در افغانستان بازتاب دهنده ی این واقعیت است که آمریکایی های کمتری در افغانستان حضور دارند و تلفات ناشی از جنگ ایالات متحده کاهش یافته است طوری که در ابتدای سال تاکنون تنها ۸ سرباز این کشور کشته

«هر چند هیچ کسی از این که ایالت متحده وارد پانزدهمین سال جنگ خود در افغانستان می شود، خوشحال نیست. مثل این است که کسی مفکوره ی بزرگی در مورد خروج کامل از یا تقویت نیروها ندارد.» او گفت: «به عنوان فردی که از ماموریت آمریکا در افغانستان حمایت می کند، من در واقع از این که این موضوع توجه زیادی را به خود جلب نکرده است، خوشحالم. زیرا من در مورد این که توجه زیاد می تواند منظره را بهبود بخشد، مطمئن نیستم.»

عده یی می گویند، در زمانی که تهدیدهای تروریست دولت اسلامی، جنگ در سوریه و تنش ها با روسیه و چین در سیاست خارجی در درجه ی اول اولویت امریکاست، این طبیعی است که مقامات آمریکایی تمرکز کمتری بر اغتشاشات افغانستان داشته باشند.

ست جونز، رئیس مرکز سیاسی دفاعی و امنیت بین المللی در شرکت راند می گوید: «افغانستان حالا برای جلب توجه با کشورهای زیادی که آمریکا در آن درگیر است، رقابت می کند. این کشور [افغانستان] به طور آشکار با عراق که توجه زیادی را به خود جلب کرده است، رقابت می کند. با سوریه، با عملیات آمریکا در لیبیا، با موضوعات تروریستی که به پاریس، بروکسل، ترکیه و دیگر مناطق حمله کردند، در رقابت است.» به گفته ی او نقش افغانستان در مبارزات انتخاباتی در مقیاس بزرگی افکار عمومی آمریکایی ها در مورد جنگ را متاثر می سازد. «به نظر من چیزهای زیادی برای بدتر شدن است تا این که برای بهتر شدن برخی خسته گی های عمومی در آمریکا

توماس جانسون، رییس برنامه ی مطالعات فرهنگ و ستیز در دانشکده ی تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی چین اشاره می کند و می گوید: «اگر به مناظره های اولیه ی هردو حزب جمهوری خواه و دموکرات نگاه کنیم، فکر می کنم از افغانستان تنها یک یا دو بار نام برده شد، و ترامپ نامزد جمهوری خواهان چیز زیادی در مورد افغانستان نمی داند. من تنها در یک مصاحبه دیدم که وقتی در مورد افغانستان از او پرسیده شد، او به سادگی پاسخ داد که مشکل اصلی پاکستان است نه افغانستان.»

شده اند.

توماس جانسون، رییس برنامه ی مطالعات فرهنگ و ستیز در دانشکده ی تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی چین اشاره می کند و می گوید: «اگر به مناظره های اولیه ی هردو حزب جمهوری خواه و دموکرات نگاه کنیم، فکر می کنم از افغانستان تنها یک یا دو بار نام برده شد، و ترامپ نامزد جمهوری خواهان چیز زیادی در مورد افغانستان نمی داند. من تنها در یک مصاحبه دیدم که وقتی در مورد افغانستان از او پرسیده شد، او به سادگی پاسخ داد که مشکل اصلی پاکستان است نه افغانستان.»

به گفته ی جانسون، کلinton و تیم اش نیز توجه چندانی به افغانستان ندارند، به دلیل یک رشته حملات تروریستی بین المللی که توجه عمومی را جلب کرد، تا حدودی توجه کلinton را نیز جلب کرد. به گفته ی او ظهور دولت اسلامی یا داعش در افغانستان در یک سال پیش، ممکن است به این موضوع کمک کند تا افغانستان دوباره به مرکز بحث مناظره های سیاسی آمریکا برگردد.

رهبران افغانستان: این کشور هنوز نیازمند حمایت خارجی است

وضعیت امنیتی در افغانستان خطرناک و دولت ضعیف است. تحلیل گران نظامی آمریکا در گزارشی که در اول امسال نشر شد گفتند که دولت افغانستان بین ماه های جنوری تا می نزدیک به ۵ درصد قلمرو خود را از دست داده است. یک فرمانده ارشد نظامی آمریکا گفت، که تلفات نیروهای افغانستان تنها در ماه جولای به ۹۰۰ تن رسیده است. در همان ماه اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان، در وارسا با سران ناتو گردهم آمدند تا در مورد آینده ی افغانستان گفت و گو کنند. در یک بیانیه ی مشترک خبر از تعهد دوطرفه برای امنیت طولانی مدت و ثبات در افغانستان داده شد و این که افغانستان تنها نخواهد بود.

در این بیانیه گفته شده بود: «هدف ما این است که افغانستان یک بار دیگر به مکان امنی برای تروریست ها تبدیل نخواهد شد... و این که این کشور قادر به حفظ امنیت خود، حکومت، اقتصاد، توسعه ی اجتماعی و احترام به حقوق شهروندی شهروندان خود است.»

در این گردهمایی غنی [خطاب به سران کشورهای خارجی] گفت که کشورش با کمک شما به سوی پیشرفت حرکت خواهد کرد. او گفت: «با پشتیبانی قاطع شما، برای ساختن قانون اساسی دموکراتیک و دولت پاسخگو و کارآمد که بتواند صلح را به مردم ما به ارمغان بیاورد و تضمین کننده ی آینده ی ما باشد و ما را از شر تروریسم نجات دهد، ما تلاش های خود را دو برابر می کنیم.»

ایالات متحده ی آمریکا بخشی کلیدی از این تلاش است، اما با بحث های کمی در مورد طرح ها در دوران مبارزات انتخاباتی آمریکا، معلوم نیست که این وضعیت چه در دولت کلinton یا ترامپ تا چه زمان دوام خواهد کرد.



چهلکد

سخن سخی داده هاتف

رویای مریدانه

در روایت است که روزی بزرگی از بزرگان، از همان‌ها که تا روی به آسمان می‌کنند همه چیز برای‌شان عریان و مکشوف می‌گردد، در کنار اصطبل اسب سرخ‌موی خود در آفتاب نشسته بود و چای سیاه می‌خورد. مریدی بر او وارد شد و با حالت نزار و پریشان کنارش نشست. مرید انتظار داشت که خود آن بزرگ لب به سخن بگشاید و به او بگوید که دیشب چه خواب وحشتناکی دیده. اما هرچه نشست آن بزرگ چیزی نگفت و تنها چای سیاه خویشتن شوب کرد. آخر مرید بی‌طاقت شد و رو به بزرگ گفت: «می‌دانم که می‌دانی که دیشب چه خواب وحشتناکی دیده‌ام. پس لطف کن و تعبیرش را بگو که سوختم.» بزرگ پیاله‌ی چای خود را بر زمین گذاشت و گفت: «تو دیشب هیولایی را در خواب دیدی که مثل انسان بود. سرش به رنگ سرخ، تنش به رنگ سیاه و پاهایش به رنگ سبز...»

مرید با صدای بلند گفت: «قربانت شوم ای بزرگ، ولی...» بزرگ بر او نهب زد: «خاموش باش ابله. بگذار که خوابت را تعبیر کنم. اگر نمی‌گذاری برو گم شو که من چایم را بخورم.» مرید خاموش ماند.

و بزرگ ادامه داد: «آن سر سرخ که در هیولا بود به این معناست که تو باید آماده‌ی فدا کردن خود برای آبادی میهن باشی. نشنیده‌ای که می‌گویند زبان سبز سر سرخ می‌دهد بر باد؟ آن تنه‌ی سیاه که در آن هیولا دیدی، نشانه‌ی خشم انقلابی توده‌هاست. می‌دانی که وقتی توده‌ها خشمگین می‌شوند، لباس سیاه عزا می‌پوشند و شروع می‌کنند به زدن بر سر و روی خود و همدیگر. آن پاهای سبز معناهای عدیده دارد و من باید سرش کار کنم تا قرائت درستی از آن فراهم آورم.»

مرید گفت: «من فدای آن زبان شیرین شما شوم. من چنان هیولایی در خواب ندیدم. خواب من این بود که...»

بزرگ حرف او را قطع کرد و گفت: «می‌دانم، می‌دانم. ولی تو کجا گذاشتی که روایت کامل شود. این را که من گفتم، در آخر روایت تو می‌آید. اما تو بی‌حوصلگی کردی و بیدار شدی.» مرید گفت: «جانم فدای شما. من نمی‌خواستم بیدار شوم. چون در یک میهمانی مجلل بودم. ولی خداوند مرا از عالم خواب بیرون آورد.»

بزرگ گفت: «از این پس باید رویاهایت را بهتر مدیریت کنی. باید خواب‌هایی ببینی که من پیشاپیش تعبیرش را می‌دانم. تو به‌عنوان یک فرزند آگاه میهن حق نداری خواب‌هایی ببینی که من تعبیرش را نداشته باشم. گم شو از پیشم.» و این‌گونه بود که مرید یاد گرفت از آن پس اول از آن مرد بزرگ بپرسد که تعبیرش چیست تا روایت خود را مطابق آن تعبیر روایت کند.

قربانیات آینده

عمران راتب

یک عارضه‌ی زبانی و معرفتی صرف نباشد و بیشتر از آن، برگردد به نفس تجربه، تجربه‌ی ویران. می‌شود این سخن را با ذکر یک نمونه، ساده‌تر بیان کرد: امیر حبیب‌الله کلکانی پس از هشتادوهفت سال، دو روز قبل بار دیگر به خاک سپرده شد. اینک، اگر این موضوع را به‌مثابه یک تجربه در نظر گرفته و بخوایم برای آن مفهوم‌سازی کنیم، چگونه باید دست به این کار بزنیم؟ برای این‌که بتوانیم این مسأله را بهتر درک کنیم و برای فهمی که در این مسأله به‌دنبالش هستیم نشانه‌های بیشتری جمع کنیم، لابد می‌رویم به سراغ نیت آن کسانی که این کار را کرده‌اند. ادعا یا توجیهی که آن‌ها با خاک‌سپاری مجدد امیر حبیب‌الله داشتند، همچون بسیاری از مدعیاتی که همه‌روزه می‌شنویم، تلاش برای استقرار عدالت قومی بوده است. تلاش برای عدالت، یعنی عدالتی که اکنون وجود ندارد و ما می‌خواهیم بعد از این آن را داشته باشیم. متوجه می‌شویم چیزی که سوای این اموری که در حال وقوع‌اند یا از جریان آن‌ها حرف می‌زنیم بلافاصله به‌میان آمده، چیزی است که تاکنون آن را نداشته‌ایم: آینده. معنای تلاش برای برپایی عدالت یا هر مفهوم دیگر، این است که وقوع یا تحقق آن مفهوم را در زمانی باید تجربه کنیم که به‌سوی آن زمان روانیم؛ یعنی آینده. پس ظاهراً ما برای آینده تلاش می‌کنیم.

نتیجه‌ی بی‌کی می‌توان از این مورد گرفت، در دو سمت خود را نشان می‌دهد: برجستگی نقش ما در تحقق آینده و تجربه‌پذیری آن؛ درست همان دو مسأله‌ی بی‌کی که ما به‌دنبال رد و نقد آن‌ها هستیم. حقیقت اما این است که این نتیجه را ما قبل از ختم مرحله‌ی نهایی ماجرا گرفته‌ایم. چگونه؟ ذفن مجدد امیر حبیب‌الله، گذشته از دیگر مسایلی جنبی، ادعای بزرگی را که در بطن خود حمل می‌کند، عدالت برای آینده است. ظرافت مسأله درست در همین جا نهفته است: ادعا به تجربه وابسته است و تجربه‌ی ذفن مجدد امیر حبیب‌الله،

یک تجربه‌ی کاملاً خنثا و مرده است. در واقع جسد امیر حبیب‌الله و یارانش در این موقعیت، منزلت محوری را یافته است که داعیه‌داران ذفن مجدد حول آن محور، به‌صورت غریبی، زمان را دور زده و در پایان بر نقطه‌ی ایستاده‌اند که هشتادوهفت سال قبل تجربه شده بود. نباید به ظاهر مسأله حسپید. عمقش اما این است که ما راز و رسم مواجهه با آینده را هنوز دریافته‌ایم و به‌لحاظ عقلانیت تجربی، در زمانی زندگی می‌کنیم که امیر حبیب‌الله کلکانی بار اول به خاک سپرده شده بود. این یعنی ویرانی تجربه. ما نیاموخته‌ایم و بی‌آیندی که این نیاموزی برای ما دارد، این است که همچنان ناآگاهانه با آینده روبه‌رو می‌شویم. زیرا اساس مشکل در واقع این است که خوانش ما از زمان خوانشی نارسا و نادرست است و نادرستی خوانش از زمان ناگزیراً فهم‌ناپذیری امر آینده را با خود دارد. موردی که از آن یاد می‌کنیم، یعنی خاک‌سپاری مجدد امیر حبیب‌الله، در واقع چیزی نیست جز تجربه کردن یک نوستالژی نه‌چندان گوارا؛ به این دلیل که این تجربه هیچ‌گاهی در مواجهه با آینده دست ما را نخواهد گرفت و بر این مبنا، آینده کامکان آن ابهام و تعین‌ناپذیری و معلق‌بودگی خود را حفظ می‌کند. بدین‌سان، مایی که چیزی از چگونگی وقوع آن نمی‌دانیم و سرمست از تخیلات خنثا با سلاح مرده‌ها به سوی آینده می‌رویم، همه قربانی آن می‌شویم، قربانی آینده. کسانی که نمی‌توانند از گذشته فاصله بگیرند و یا نمی‌دانند چگونه باید این کار را بکنند، برای همیشه قربانی آینده خواهند بود.

نخ‌نماترین نقصی را که در تعریف فوق از آینده می‌توان نشان‌دهی کرد، این است که آینده یک امر گشوده، نامعلوم از حیث چگونگی به تجربه در آمدن و در نهایت یک امر معلق است؛ اما این تعریف در کنار این که وقوع آن را یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر در نظر می‌گیرد، از چگونگی و چرایی آن وقوع چیزی برای ما نمی‌گوید. این ابهام می‌تواند در نفس خود نقطه‌ی تاریک و مشکوک دیگری هم داشته باشد. آن نقطه‌ی تاریک است: انسان منتظر وقوع آینده چه باید بکند؟ یعنی نقشی که می‌تواند این انسان در به‌تجربه در آمدن آینده داشته باشد، چیست، چه باید باشد؟ این‌جاست که ناتوانی ما در صورت‌بندی نقش و کارکرد انسان در دل آینده یا امر آینده‌دار، آشکار می‌گردد. چون این‌بار نمی‌توانیم آن‌گونه که خود مفهوم آینده را برای خویش با دست‌و‌دل‌بازی تمام تعریف و فهم‌پذیر کردیم، نقشی که می‌توانیم در متن این تعریف به عهده بگیریم را تعیین کنیم.

شاید ضعفی که در این مورد از جانب ما بروز می‌کند، چیزی باشد که دامنه‌ی آن فراتر از ضعف زبانی ما برود. یعنی هنگامی که از تعیین نقش و جایگاه خود در تجربه‌پذیری آینده با آن مفهومی که خود از آینده به‌دست دادیم، اظهار ناتوانی می‌کنیم، ممکن است این ناتوانی

اگر بخوایم تعریف نزدیک‌به‌واقعی از آینده داشته باشیم، آن را چگونه باید بیان کنیم؟ شاید منظورمان از آینده بیشتر این باشد که امری را در ذهن داریم که تحقق، پدیدار شدن یا تحول خاص -خوش‌آیند یا بدآیند- آن امر بنابر محاسبات و حدسیاتی که داریم، در تجربه‌هایی که تاکنون داشته‌ایم، اتفاق نیفتاده باشد اما اتفاق آن در هر حالت، یک مسأله‌ی اجتناب‌ناپذیر تلقی گردد. یعنی آن منظوری که در پس استفاده از مفهوم «آینده» اراده می‌کنیم، در واقع رخدادی باشد که شخصاً آن را تجربه نکرده‌ایم ولی ممکن است زمانی آن رخداد به تجربه درآید. می‌توان برای بیان حالت این رخداد از تعبیر «معلق‌بودگی» هم استفاده کرد؛ رخدادی که وقوع آن مربوط به زمانی جدا از زمان کنونی و در حال تجربه‌ی ما باشد. محتوای ایجابی این تبیین بیان‌گر این است که ما «زمان» را همیشه از طریق و به‌واسطه‌ی رخدادها در حوزه‌ی امور واقع -که عنوان مصداق تحول در طول زمان را به آن رخدادها می‌دهیم- فهم می‌کنیم.

این تبیین اما، صرفاً یکی از تبیین‌های بی‌شمار ماست که از مفاهیم و پدیده‌ها و از میان آن‌ها از مفهوم آینده ممکن است داشته باشیم. نقشی که این تبیین با خود حمل می‌کند، همچون هر تبیین و تعریف ممکن دیگر، آشکار و پدیده‌ی است؛ امری که در حوزه‌ی علوم انسانی نه پرهیز کردن از آن ممکن است و نه تلاش برای گریز از آن می‌تواند سودی برای ما داشته باشد. مضمونی که این سخن با خود دارد، چیزی بیش از یک توجیه صرف است. بدین‌معنا که اگر ساختار و نظام قواعد در پیدایش و بسط علوم انسانی و طبیعی را یک امر بدیهی و ناگزیر بدانیم طوری که نظم‌مندی و قوام‌یافتگی این علوم را مشروط به رعایت آن قواعد کنیم، در آن‌صورت برای علوم انسانی هیچ قاعده‌ی جز عدم قطعیت و تعین‌ناپذیری نمی‌توان یافت. پیامی که این قاعده برای ما دارد، این است که سخن گفتن از صدق و کذب مطلق در علوم انسانی و تلاش برای ارزش‌دهی موضوعات و مفاهیم در این علوم بر مبنای اصل اثبات یا ابطال‌پذیری، چیزی است از اساس محال و گزاف.

نخ‌نماترین نقصی را که در تعریف فوق از آینده می‌توان نشان‌دهی کرد، این است که آینده یک امر گشوده، نامعلوم از حیث چگونگی به تجربه در آمدن و در نهایت یک امر معلق است؛ اما این تعریف در کنار این‌که وقوع آن را یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر در نظر می‌گیرد، از چگونگی و چرایی آن وقوع چیزی برای ما نمی‌گوید. این ابهام می‌تواند در نفس خود نقطه‌ی تاریک و مشکوک دیگری هم داشته باشد. آن نقطه‌ی تاریک است: انسان منتظر وقوع آینده چه باید بکند؟ یعنی نقشی که می‌تواند این انسان در به‌تجربه در آمدن آینده داشته باشد، چیست، چه باید باشد؟ این‌جاست که ناتوانی ما در صورت‌بندی نقش و کارکرد انسان در دل آینده یا امر آینده‌دار، آشکار می‌گردد. چون این‌بار نمی‌توانیم آن‌گونه که خود مفهوم آینده را برای خویش با دست‌و‌دل‌بازی تمام تعریف و فهم‌پذیر کردیم، نقشی که می‌توانیم در متن این تعریف به عهده بگیریم را تعیین کنیم.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه‌آرا: هادی دریایی
 بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



Abdula Watandar

راه حل هم بدهید

دوستانی می‌گویند که اگر در مواردی جنبش را نقد می‌کنی، راه حل عملی هم بده. باید اعتراف کنم که راه حل دادن، بسیار مشکل‌تر از دیدن کمبود و کزی است. دلیلش هم ساده است. برای راه حل عملی دادن، شما نه تنها باید به واقعیت‌های پیرامون جنبش و افغانستان دقت کنید، که باید فشارهای درون جنبش، میزان شدت فوران احساسات هواداران، اعضا و فعالین، انتظارات بازماندگان قربانیان، و ... را هم به خوبی نه تنها درک، بلکه حس کنید.

روشن است که من چنین امکانی ندارم. به همین خاطر، راه حل‌های آدم‌های مثل من، تأثیر پذیرفته از دینامیزم درونی جنبش و فشار احساسات و انتظارات مترکام هواداران آن نخواهد بود و به همین دلیل احتمالاً برای جنبش‌ها، بی‌ربط جلوه خواهد کرد. چرا؟ چون بسیاری وقت‌ها، تصامیم‌ها حرکت‌ها، جنبش‌ها و حتا احزاب و کشورها، بیشتر از آن که برای رسیدن به هدف و یا رویارویی با موانع بیرون طراحی شوند، برای پاسخ گفتن به نیازهای درون طراحی و عملی می‌شوند، و زاده‌ی دینامیزم درونی اند. با این همه، من باور دارم که جنبش به نگاه آنانی که درگیر دینامیزم درونی جنبش نیستند، و در موج احساسات هواداران جنبش دست و پا نمی‌زنند، نیاز دارد.

۱. علی‌رغم واقعیت‌هایی که یاد آور شدم، اگر بخواهم پیشنهادی بدهم، اولین پیشنهادم، یک بازنگری کلی در زبان جنبش است. به نظر من، زبانی که جنبش در گردهمایی‌ها و برنامه‌هایش به کار می‌برد، زبان‌ها مناسب نیست. این زبان، احساسات را به جوش می‌آورد، انتظارات را غیر واقعیت‌ناهن افزایش می‌دهد، یک خواست ساده از دولت را به یک رویارویی عمیق و حتا اصولی تبدیل می‌کند، و مهم‌تر از همه دینامیزمی در اطراف و درون جنبش خلق می‌کند که کار جنبش را سخت‌تر می‌کند و آن را در تنگنا قرار می‌دهد. زبان فعلی، انعطاف‌پذیری را از جنبش سلب می‌کند، میانه روی را در آن ناممکن می‌کند و جنبش را وادار می‌کند که تندتر، تندتر و تندتر عمل کند، تا به انتظاراتی که آن زبان خلق کرده است و پیوسته خلق می‌کند، پاسخ بگوید.



Ali Nazari

حال دوستم هم در جمع ناراضیان درون‌حکومتی قرار دارد. عبدالله از غنی و ارگ ناراض است و حتا نمی‌تواند وقت ملاقات با رییس‌جمهور بگیرد، محقق در ارگ مسافری بیش نیست، محمدخان که از شروع حکومت در سایه سیاست کرده و ظاهراً راضی به نظر می‌رسد؛ چه این‌که انتظاری ندارد و این هم برایش بسنده است. احمدضیا مسعود چنان‌چه پست تشریفاتی دارد، آن را از سر خود زیاد می‌داند و دم بر نمی‌آورد. دانش اما قانون‌پوه است. او در حال نهایی‌سازی طرح تک‌کرسی انتخابات پارلمانی است و می‌خواهد مسیر تاریخ را تغییر دهد. او شکایت نمی‌کند و به همین که هرازچندگاهی غنی از او نام می‌برد و مسئولیتی به او می‌سپارد، راضی است. دانش مرد کار است و این‌که غنی از او کار می‌کشد، خوشحال است. او از چیزی که رنج می‌برد، این است که بیکار بماند. خلاصه زدن و کندن جریان دارد و ناراضیانی درون‌حکومتی رو به افزایش نهاده است.

می‌خواستم این را بگویم که آیا شاکیان، به این فکر می‌کنند که آن‌ها خود چنان ضعیف‌اند که صلاحیت‌های‌شان را از شان گرفته و امضاهای‌شان را از اعتبار ساقط کرده‌اند؟ این اعتراض‌ها اگر چیزی را ثابت می‌کند، این است که معترضان، چنان‌چه مردم از آن‌ها انتظار داشتند و به آن دلیل به آن‌ها رأی دادند، سیاست‌مداران موفق نیستند. عرض می‌کنم که خود آن‌ها بسیار ضعیف‌اند که کسی چون اتمر همه آن‌ها را به یک گوشه پرت کرده و اقتدار را در دست گرفته است؛ کسی‌که نه از آدرس و با رأی مردم آمده و نه به اندازه معترضان از پایگاه مردمی برخوردار است.

این پیام شامگاهی بود، شب راحتی داشته باشید!



Asad Buda

حل یک معادله‌ی اجتماعی

اغلب می‌پرسند آینده‌ی افغانستان چه خواهد شد؟ برخی کوشش می‌کنند این معادله را با حمله‌ی‌ها اسکندر مقدونی، جنگ‌های دوران باستان، صورت‌بندی‌های سیاسی دوران جنگ سرد و دیگر عوامل‌ها مرتبط و نامرتبط توضیح دهند. در کنار بی‌شمار توضیح پیچیده یک توضیح ساده و روشن نیز وجود دارد: جمع‌گیری سالن‌های عروسی و کتاب‌خانه‌های موجود و یا نسبت تولید آگاهی و زاد و ولد می‌شود «آینده‌ی افغانستان». جمعیت‌ها کابل بین پنج تا شش میلیون نفر است. در برابر این شش میلیون نفر یک کتاب‌خانه‌ی عمومی که ساکنان شهر کتاب عرضه کند، وجود ندارد. بیرون از کابل وضعیت بدتر است. بازار آگاهی، کساد است و در عوض سالن‌های عروسی و مساجد و مراکز ترویج جهالت‌های دینی کاملاً فعال‌اند. با این معادله‌ی اجتماعی می‌توان پیش‌بینی کرد که آینده‌ی ما رشد تصاعدی‌ها جهل و نادانی است و به تعداد به‌دنی‌ا آمدن هر نوزادی، به حجم‌ها جهل و نادانی افزوده خواهد شد.

نایب‌رییس مجلس ایران: همکاری‌های نظامی با روسیه بدون اجازه‌ی رهبری امکان نداشت

مجلس ایران گفته است که هیأت ریسه‌ی مجلس ایران درباره‌ی همکاری‌های نظامی ایران و روسیه در پایگاه هوایی نوژه‌ی همدان جلسه‌ی‌یی برگزار نکرده است. او گفته است مسایل سیاسی و امنیتی از این دست به شورای‌عالی امنیت ملی و رهبر مربوط می‌شود تا مجلس.

نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی ایران در عین حال تأکید کرده که امکانات نظامی ایران در اختیار هیچ کشوری قرار نگرفته است.

مقام‌های ایران در ابتدا در مورد استفاده‌ی روسیه

اطلاعات روز: مسعود پزشکیان، نایب‌رییس مجلس ایران گفته است که همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بر سر بحران سوریه، «قطعاً» با اجازه‌ی آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران صورت گرفته است. به نقل از بی‌بی‌سی، آقای پزشکیان تأکید کرده «بدون اجازه رهبری امکان ندارد چنین اقدامی انجام شود.» روسیه ماه پیش تعدادی هواپیمای بمب‌افکن در پایگاه نیروی هوایی ایران در همدان مستقر و از این هواپیمایها برای عملیات نظامی در سوریه استفاده کرد.

آقای پزشکیان به خبرگزاری خانه ملت، خبرگزاری

روسیه: خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا باعث تضعیف اروپا شده است

به شرکای قوی نیاز دارد.

در زمان همه‌پرسی بریتانیا، گفته می‌شد که آقای پوتین چون خواهان ضربه زدن به اتحادیه‌ی اروپا است، از خروج این کشور از این اتحادیه حمایت می‌کند.

آقای دوروکویچ که بر سیاست‌های اقتصادی کشورش نظارت دارد، گفته است که خروج تدریجی بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا تأثیر چندانی بر مواضع این اتحادیه در قبال تحریم‌های وضع شده علیه روسیه

اطلاعات روز: آرکادی دوروکویچ، معاون نخست‌وزیر روسیه گفته است که رای بریتانیا برای خروج از اتحادیه‌ی اروپا، باعث تضعیف اروپا شده است.

آقای دوروکویچ، در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفته است که نتایج همه‌پرسی ماه جون در بریتانیا باعث ایجاد بلاتکلیفی و تردیدهایی شده است.

معاون نخست‌وزیر روسیه این که ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه طرفدار خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا بوده را رد کرده و گفته است که روسیه

حمله‌ی تروریستی در فیلپین

دست کم ۱۴ کشته برجا گذاشت

لئوناردو گوئرو، یک فرمانده نظامی ارتش فیلپین گفت هنوز مشخص نیست که چه چیزی موجب انفجار شده است.

کارشناسان بمب پولیس و محققان هنوز مشغول بررسی شواهد هستند.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این انفجار را به عهده نگرفته است اما به گزارش خبرگزاری رسمی فیلپین، دولت فیلپین انفجار را تروریستی ارزیابی کرده است.

اطلاعات روز: رودریگو روآ دوترت، رییس‌جمهور فیلپین می‌گوید که انفجار جمعه‌شب ۱۲ سنبله که به کشته شدن دست‌کم ۱۴ نفر و زخمی شدن ۷۱ نفر انجامید، حمله‌ی تروریستی بوده است.

به نقل از رادیو زمانه، سخن‌گوی پولیس شهر داوائو تأیید کرده که این انفجار ساعت ۱۰ به‌وقت محلی در بازار شبانه‌ای در شهر داوائو رخ داد و علت آن یک یا چند بمب بوده است. اما بعد از مدتی جنرال ری

از پایگاه نوژه‌ی همدان سکوت اختیار کردند اما سپس حسین دهقان، وزیر دفاع ایران گفت استفاده هواپیمای روسیه از پایگاه هوایی در داخل این کشور در راستای همکاری‌های سه جانبه و به درخواست دولت سوریه انجام شده است و این موضوع ارتباطی به مجلس ایران ندارد.

وزیر دفاع ایران چند روز بعد در واکنش دیگری گفت که پشت اعلام این خبر توسط روس‌ها، «نوعی خودنمایی و بی‌معرفتی» بوده است.

وزارت امور خارجه‌ی ایران هم اخیراً اعلام کرد که استفاده‌ی روسیه از پایگاه هوایی نوژه‌ی همدان «عجالتاً» پایان یافته و «روسیه نه در ایران پایگاه دارد و نه مستقر شده است.»

نایب‌رییس مجلس ایران در مصاحبه‌ی خود در عین حال گفته است که روسیه در همکاری‌های خود با ایران به دنبال منافع خودش است و «نمی‌شود گفت که دل روسیه با ماست. آن‌ها منافع خود را می‌خواهند و ما نیز به دنبال منافع خود هستیم.»

نخواهد گذاشت.

اتحادیه‌ی اروپا پس از آن که روسیه کریمه در اوکراین را به خاک خود الحاق کرد و از شورشیان در شرق اوکراین حمایت کرد، تحریم‌های گسترده‌ی‌یی را علیه این کشور به اجرا گذاشت.

روابط این اتحادیه و روسیه از آن زمان با تنش‌هایی همراه بوده است.

قرار است کشورهای اتحادیه‌ی اروپا در اواسط سپتامبر، تحریم‌های وضع شده علیه روسیه را بررسی کنند.

اگرچه خوش‌بینی‌های کمی برای لغو و یا برداشته شدن بخشی از این تحریم‌ها وجود داشت اما به گفته‌ی، تحلیلگران، اظهارات اخیر آنگلا مرکل در موافقت با ادامه‌ی این تحریم‌ها، کفه‌ی تجدید تحریم‌ها علیه روسیه را سنگین‌تر کرده است.

رییس‌جمهوری فیلپین از مردم خواسته است که با پولیس و نیروهای ارتش همکاری کنند تا موترها و افراد مشکوک را بازرسی کنند.

شهر داوائو زادگاه رییس‌جمهور فیلپین هم است و او در این شهر شهردار بوده است.

رییس‌جمهور فیلپین گفته است که این انفجار یک اقدام تلافی‌جویانه از سوی اسلام‌گرایان افراطی گروه «ابوسیاف» یا مافیاهای مواد مخدر در این کشور است. از ماه جون سال ۲۰۱۶ که دولت دوترت قدرت را به دست گرفته، نزدیک به ۲۰۰۰ نفر در درگیری با نیروهای ارتش و پولیس کشته شده‌اند. در میان آن‌ها ۸۳۲ نفر در ارتباط با عملیات‌های پولیس کشته شده‌اند که در میان آن‌ها بیشتر از ۲۰۰ نفر مستقیم با مافیای مواد مخدر رابطه داشتند.

هستیم. ترکیه کشور مهمی است و اتحادیه‌ی اروپا هم بازیگر خیلی مهمی است. از این‌رو خیلی خوب است که با یکدیگر دیدار داریم و خوب است که فرصتی برای گفت‌وگو درباره‌ی مسائلی داشته باشیم که هر یک از جانب خود می‌بینیم‌شان. من انتظار دارم که روابط دوجانبه بهبود پیدا کند.»

نماینده‌ی ارشد اتحادیه‌ی اروپا اما فراتر از این رفت. یک ماه‌ونیم پس از کودتای نافرجام در ترکیه و برغم ادامه‌ی وضعیت اضطراری در این کشور و پاکسازی‌های گسترده در نهادهای مختلف مدنی، فدریکا موگرینی حمایت خود را از دولت ترکیه اعلام کرده و افزوده: «ما توانستیم در زمینه‌ی برقراری وضعیت فوق‌العاده با ترکیه همراهی کنیم تا این کشور به‌عنوان نامزد پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا بتواند به تعهداتش در قبال این اتحادیه، اصول و ارزش‌های آن پایبند باشد.» آنکارا و بروکسل در نوامبر گذشته بر سر کند کردن جریان مهاجرت به قاره‌ی سبز به توافقی چالش‌برانگیز رسیدند. یکی از شروط این توافق تردد آزاد شهروندان ترک بدون نیاز به روادید در کشورهای عضو شگن بود. توافقی که انتظار می‌رود در اکتبر امسال به اجرا درآید.

نزدیکی مرز ایران است. روز جمعه هم خشونت‌ها در مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه به کشته شدن ۱۷ نیروی پ‌ک‌ک و دست‌کم ۷ نیروی امنیتی منجر شد. جنگ بین پ‌ک‌ک و نیروهای ترکیه در سه دهه‌ی گذشته بیش از ۴۰ هزار کشته داشته است که بیشتر آنان کردها بودند. پ‌ک‌ک که فعالیتش در ترکیه ممنوع اعلام شده سال‌هاست برای استقلال فرهنگی و زبانی و نوعی خودمختاری کردها با دولت ترکیه مبارزه می‌کند.

اتحادیه‌ی اروپا خواستار گفت‌وگوهای دوجانبه

برای بهبود روابط آنکارا-بروکسل شد



به نقل از یورو نیوز، اتحادیه‌ی اروپا که گفته می‌شود همچنان با مسأله‌ی پناهجویان رویه‌رو است خواهان بهبود روابط دوجانبه با ترکیه است. در جریان این اجلاس، فدریکا موگرینی، نماینده‌ی ارشد اتحادیه‌ی اروپا در امور خارجه گفته است: «ما شرکای جدی

اطلاعات روز: وزیر امور اروپایی ترکیه، عمر جلیک روز شنبه به جمع وزیران خارجه‌ی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا در براتیسلاوا پایتخت اسلواکی پیوست تا طی نشست دو روزه گامی در راستای بهبود روابط دوجانبه‌ی آنکارا-بروکسل بردارد.

درگیری نیروهای ترکیه و پ‌ک‌ک در وان

دست کم ۲۰ کشته برجا گذاشت

و ۱۱ نیروی پ‌ک‌ک کشته شده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی، این درگیری‌ها طی جمعه شب در ولایت وان در شرق ترکیه اتفاق افتاده که در

اطلاعات روز: منابع امنیتی ترکیه گفته‌اند که در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی و نیروهای حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) دست‌کم ۸ سرباز

رئیس والنسیا: قلب آلكاسر برای بارسلونا می‌زد

چان لای هون، رئیس باشگاه والنسیا معتقد است که قلب آلكاسر در بارسلونا می‌زد. آلكاسر ۲۳ ساله سه شنبه هفته گذشته والنسیا را که از نوجوانی در آن توپ می‌زد ترک کرد و با ۳۰ میلیون یورو راهی بارسلونا شد. چان از تصمیم آلكاسر برای جدایی از تیمش ابراز ناراحتی کرد ولی مدعی شد که چاره‌ی جز فروش مهاجم اسپانیایی نداشته‌اند. او گفت: او یک الگو برای ما بود و از ۱۱ سالگی در والنسیا توپ می‌زد. ولی وقتی قلب بازیکنی در تیم دیگری است، دلیلی ندارد که آن‌ها را به یک اسطوره تبدیل کنید. باشگاه تصمیم داشت که مانع جدایی او شود. اگر می‌خواستیم او را بفروشیم، سه هفته زودتر این کار را می‌کردیم و اعلام می‌کردیم که قصد این کار را داریم.

والنسیایی‌ها،

عصبانی‌ترین هواداران دنیا هستند

گری نوبل، سرمربی سابق والنسیا مدعی شد که هواداران این تیم، عصبانی‌ترین هواداران دنیا هستند. نوبل یک دوره کوتاه سرمربی والنسیا بود و پس از کسب نتایج بسیار ضعیف از هدایت این تیم کنار گذاشته شد. پس از شکست ۷-۰ مقابل بارسلونا، برخورد بسیار تنگی از سوی هواداران با نوبل شد و از همین رو سرمربی والنسیا آن‌ها را عصبانی‌ترین هواداران جهان دانست. او گفت: در انگلیس ما فکر می‌کنیم که پرشورترین هواداران را داریم که البته هواداران ما پرشور هستند ولی من هیچ‌وقت مثل آن بازی (شکست ۷-۰ مقابل بارسا) چیزی ندیدم. به نظر عصبانی‌ترین هواداران بودند که در عمر دیده بودم. باشگاه در ۱۳ سال ۱۵ مری عوض کرده است.

کلوپ: بارسلونا در لیگ برتر به در دسر می‌افتد

یورگن کلوپ در مصاحبه جدیدش به مقایسه لیگ برتر انگلیس با لالیگا پرداخته و نتیجه گرفته است که فوتبال در اسپانیا بسیار ساده‌تر از انگلیس است. یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول در مصاحبه با دلی میل در مقایسه لالیگا و لیگ برتر گفت: لیگ برتر بسیار دشوارتر از لالیگا است. اولین تفاوت به‌طور مثال این است که بارسلونا می‌تواند در نیمی از بازی‌هایش در لالیگا با تیم دومش به میدان رفته و پیروز شود. بازی‌هایی است که مسی ۴ کیلومتر می‌دود ولی ۵ گول می‌زند. این هرگز در لیگ برتر اتفاق نمی‌افتد. در انگلیس بازی ساده نداریم و بارسلونا هم این‌جا به در دسر خواهد افتاد. چندی پیش در وبسایتی با بارسلونا بازی کردیم. بازیکنان این تیم در تونل ورودی به ورزشگاه در حال گرم کردن بودند و برخی خمیازه می‌کشیدند. آن‌ها با تعجب به وبسایت نگاه می‌کردند و می‌گفتند که او! این وبسایت است. ما ۴ گول به این تیم زدیم اما واقعیت این است که می‌توانستیم ۵ گول هم از بارسا بخوریم.

رشد چشم‌گیر ارزش اتلتیکو نسبت به رئال و بارسا

در شروع فصل جدید فوتبال اسپانیا، باشگاه اتلتیکو مادرید بیشترین رشد را در زمینه ارزش‌گذاری مجموعه بازیکنانش داشته است. این رشد ۱۷۹ میلیون یورویی نه فقط به دلیل خرید بازیکنان خوب و با ارزش در نقل و انتقالات تابستانی که به سبب بالا رفتن ارزش بازیکنان فصل گذشته این تیم نیز بوده است. ارزش باشگاه اتلتیکو در حال حاضر ۴۹۳ میلیون یورو تخمین زده می‌شود در حالی که فصل گذشته در چنین روزهایی، ارزش روخی بلاتکوس‌ها ۳۱۴ میلیون یورو بود. اتلتیکو در نقل و انتقالات، بازیکنانی چون گامیرو را با ۲۰، گایتان را با ۲۵ و ورسالیکیو را با ۱۶ میلیون یورو خریداری کرد. به‌طور مثال ارزش بازیکنانی چون اویلاک نیز از ۸ به ۳۵ و سائول از ۹ نیز به ۳۵ میلیون یورو افزایش داشته است.

بارسلونا نیز که با ۱۲۲ میلیون یورو، بیش از هر تیمی در لالیگا برای خرید بازیکن هزینه کرد، ارزش تیمی ۷۵۶،۵ میلیون یورویی دارد که نسبت به فصل قبل ۱۳۹ میلیون یورو بالاتر است. رئال مادرید نیز که فقط موراتا را با ۳۰ میلیون یورو خریداری کرد، ۷۶۴،۳ میلیون یورو ارزش‌گذاری شده که نسبت به فصل گذشته ۶۷،۸ میلیون یورو رشد داشته است. در این بین، کاهش ۵۰ میلیون یورویی ارزش باشگاه بحران زده والنسیا نیز جالب توجه است.

Andrés Iniesta La jugada de mi vida Memorias

«Si crees que me conoces por lo que te han contado de mí, no me conoces.»

Andrés Iniesta

La conquista del cielo

11 de julio 2010,
Johannesburgo

«Tengo la sensación de que cuando controlo la pelota se para el mundo. Sí, lo sé. Sé que es difícil de explicar. No sentí nada, solo silencio. El balón, la portería, yo... Es verdad que un poco antes de que me pasen la pelota doy un paso atrás de seguridad para no caer en fuera de juego. Yo sabía que no lo estaba. Pero lo hice por instinto. Es casi como algo automático, sin saber por qué tu cuerpo se echa para atrás para evitar cualquier problema. Y luego... Luego, el silencio.»

«Hay que aguantar, aguardar el momento exacto para enganchar bien la pelota. Tú mandas en ese momento. Ahí solo mandaba yo. El balón era la manzana de Newton. Yo, por lo tanto, era Newton. Solo tenía que esperar que la ley de la gravedad hiciera bien su trabajo. Mandas porque controlas el movimiento, la altura, la velocidad del balón y, por supuesto, la altura de la pierna. En ese silencio eres tú el único que puede dominarlo todo.»

«Mi intención era tirar más esquinado para que no llegara el portero. Pero me salió más centrado. Más fuerte, eso sí. Pero no pienso demasiado en lo que voy a hacer. Cuando pienso, pierdo décimas de segundo y no me siento bien. Si piensas demasiado, igual fallas...»

Con la colaboración de
Ramón Besa y Marcos López

اینیستا:

بدترین مقطع زندگیم در لاماسیا گذشت

و انگار همین دیروز بود و این همه سال نگذشته است. احساس می‌کردم که خانواده‌ام را از دست داده‌ام چون در سن خیلی پایینی تصمیم گرفتم که از شهر و خانواده‌ام جدا شده و به بارسلونا بیایم. دوست داشتم به بارسا ملحق شوم و اطمینان داشتم که این به نفع آینده‌ام خواهد بود ولی جدایی از خانواده برایم مثل نوشیدن یک قهوه بسیار تلخ بود. این باعث می‌شد تا مدت‌ها پدر و مادرم را نبینم که برایم بسیار سخت بود. البته این انتخاب خودم بود با تمام مشکلاتش. در هر صورت باید بگویم که روزهای ابتدایی در لاماسیا، بسیار بد و گاه غیر قابل تحمل بود.

یک روز دیگر قرار است اولین کتاب مربوط به زندگی‌نامه اینیستا منتشر شود اما ال پرودیگو، بخش‌هایی از این کتاب را در شماره دیروز خود منتشر کرده است.

آندرس اینیستا برای بارسلونا بازی می‌کند اما یک آستوریاسی است نه یک کاتالان. او محصول آکادمی فوتبال بارسلونا «لاماسیا» است و در حال حاضر کاپیتان این تیم نیز محسوب می‌شود. اینیستا در بخش‌هایی از کتاب خود به روزهایی که مجبور به ترک خانواده‌اش برای حضور در آکادمی فوتبال بارسلونا شد اشاره کرده است: شاید منطقی نباشد اما واقعیت دارد. بدترین روزهای زندگی من در لاماسیا گذشت. این را با تمام وجود می‌گویم

دلایل افت کیفی مسی در بازی فیفا ۲۰۱۷

در سال‌های اخیر، خیلی هم عجیب نیست که فیفا تصمیم گرفته کیفیت لیونل مسی را کمی کاهش دهد. در سال‌های اخیر، همیشه تصویر چهره لیونل مسی بر روی کاور بازی‌های فیفا قرار داشت اما امسال تصویری از مارکو روس، ستاره آلمانی دورتموند جایگزین آن شده است. قاعدتا، یکی از شرایط اصلی شرکت کونامی برای امضا قرارداد، عدم وجود ارتباط بین لیونل مسی و شرکت رقیب بوده است.

با انتشار نسخه جدید بازی فیفا، نمره کلی لیونل مسی کاهش یافت و همین موضوع باعث شد تا او پایین‌تر از رونالدو قرار گیرد. بسیاری از طرفداران بازی فیفا، از شنیدن این خبر شوکه شدند اما اخبار حاکی از آن است که ماه گذشته شرکت کونامی، ارائه‌دهنده سری بازی‌های (PES)، با لیونل مسی قراردادی ۳ ساله منتشر کرد که به نظر می‌رسد همین موضوع، دل‌خوری سران فیفا را در بر داشته است.

با توجه به رقابت شدید دو شرکت EA و PES

وراتی: در صورت ترک پی‌اس‌جی، به ایتالیا می‌روم

مارکو وراتی، ستاره ایتالیایی پاری سن ژرمن اذعان داشت که در صورت ترک تیمش در آینده، به فوتبال ایتالیا باز خواهد گشت.

وراتی در تابستان امسال مورد توجه یوونتوس قرار داشت اما ترجیح داد در فرانسه باقی بماند.

وراتی گفت: در حال حاضر احساس خوبی در پاریس دارم و ممکن است تا مدت‌ها در این تیم باقی بمانم. اما اگر روزی تصمیم به جدایی داشتم، قاعدتا به ایتالیا باز خواهم گشت. البته فکر نمی‌کنم این اتفاق به زودی رخ دهد.

وراتی همچنین اذعان داشت که تصمیم بالوتلی برای پیوستن به نیس صحیح بوده است و فرانسه فضای خوبی برای بازگشت و به روزهای اوج است.

رونالدینیو دوباره به بارسلونا پیوست!

رونالدینیو، ستاره سابق بارسلونا بعد از سال‌ها جدایی دوباره به بارسلونا باز خواهد گشت.

البته این بار رونالدینیو، ملقب به شاعر فوتبال، به عنوان سفیر شعبه جدید بارسلونا در نیویورک مشغول به کار خواهد شد.

باشگاه کاتالونیایی برای نشان دادن میزان اهمیت این شعبه در ایالت متحده، از ستاره سابق تیمش به عنوان یکی از سفیر اصلی استفاده خواهد کرد. این شعبه در تاریخ ۶ سپتامبر افتتاح خواهد شد و بارسلونا با رونالدینیو قراردادی جدید امضا خواهد کرد.

در دسر بزرگ مورینیو در آستانه دربی منچستر

هنریک مخیتاریان که در دیدار دوستانه اخیر تیم ملی فوتبال ارمنستان مقابل جمهوری چک دچار آسیب‌دیدگی شد، نیاز به ۱۰ روز زمان برای درمانش دارد و با این اوصاف بعید به نظر می‌رسد که ژوزه مورینیو بتواند از وجود هافبک جدید شیاطین سرخ در دربی حساس منچستر در تاریخ ۲۰ سنبله استفاده کند.

اتحادیه فوتبال ارمنستان در همین رابطه با انتشار بیانیه‌ی اعلام کرد: متأسفانه نتایج آزمایش‌های هنریک زیاد رضایت‌بخش نیست. مخیتاریان از ناحیه یک سوم پایینی کشاله ران پای چپ خود دچار آسیب‌دیدگی شده است. چنین مصدومیت‌هایی معمولاً بین یک هفته تا ۱۰ روز زمان برای درمانش نیاز دارند که با این شرایط مخیتاریان بازی ارمنستان برابر دانمارک در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ را از دست می‌دهد.

استونز: انتقال به سیتی فشار را کم کرد

استونز با انتقال ۴۷،۵ میلیون پوندی به گران‌ترین مدافع تاریخ لیگ برتر تبدیل شد ولی او معتقد است که با این انتقال بار سنگینی از روی شانه‌هایش برداشته شد.

او گفت: حس می‌کنم فشار زیادی از شانه‌هایم برداشته شد. خیلی خوب است که در تیم جا بیفتید و از فوتبال لذت ببرید، یک تجربه جدید، حضور در چمپیونزلیگ و تمام آن‌چه رویایش را داشته‌اید. حس می‌کنم خیلی سریع در تیم جا افتادم. همه چیز خیلی سریع انجام شد و در طول هفته‌های اخیر اطلاعات زیادی به دست من رسید و سعی می‌کردم متوجه آن‌ها شوم. من با بهترین مربی جهان کار می‌کنم و از آن لذت می‌برم.

به دیبالا گفتیم

شروع مسی هم مثل تو بوده

دیبالا در اولین بازی‌اش برای ارچنتاین در پیروزی ۱-۰ مقابل اروگوئه با دریافت دو کارت زرد از زمین اخراج شد. دقیقا مشابه این اتفاق سال ۲۰۰۵ برای مسی مقابل لهستان رخ داد، جایی که مسی ۱۸ ساله بود. حال ماسکرانو مدعی شد که با همین موضوع دیبالا را دل‌داری داده است.

او گفت: به او گفتیم که برای مسی هم در ابتدای فوتبالش همین اتفاق افتاد و حالا به آینده‌اش نگاه کن.

ماسکرانو درباره پس گرفتن خداحافظی‌اش از تیم ملی گفت: پس از شکست در فینال خیلی فکر کردم. پس از آن نیز به این فکر کردم که به تیم ملی برنگردم ولی این به ذهنم آمد که پس چه کار کنم؟ در خانه بنشینم؟





وزارت زراعت: تا پنج سال آینده تولید زعفران به ۱۴ تن افزایش خواهد یافت



زعفران، آموزش ۱۲ نفر تکنیسن کار لابراتوار جهت سنجش کیفیت زعفران، اعزام چهار گروه ده‌هافین به خارج از کشور جهت بازدید از مراکز پروسس و تولید زعفران و شریک سازی تجارب شان با دهقانان کاشت کننده از جمله فعالیت‌های امسال وزارت زراعت است.

در خبرنامه آمده که وزارت زراعت همچنان در بخش تخنیکي، لابراتوار کنترل و کیفیت ساخته، سه باب مراکز پروسس را تجهیز کرده، ۵۰ پایه خشک‌کن اتومات توزیع کرده و کار بالای ایجاد تسهیلات جهت صادرات و استانداردسازی را آغاز کرده است.

همچنان این وزارت قرار است برای ۹ شرکت پروسس کننده‌ی زعفران جواز «ISO» توزیع کند تا زعفران را مطابق استانداردهای جهانی به خارج از کشور صادر نمایند.

براساس تخمین وزارت زراعت، افغانستان با داشتن اراضی و اقلیم مساعد برای پرورش زعفران، ظرفیت تولید سالانه ۷۰ تن زعفران را دارد. در صورت رسیدن به این هدف در آینده، افغانستان قادر خواهد بود سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون دالر از ذرک زعفران عاید کسب کند.

اطلاعات روز: وزارت زراعت، آبیاری و مالداري می‌گوید در آغاز فصل کشت زعفران، ۲۸۰ تن پیاز زعفران را برای دهقانان در سراسر کشور توزیع می‌کند و براساس طرح توسعه‌ی زعفران تا پنج سال آینده، میزان تولید زعفران به ۱۴ تن افزایش خواهد یافت.

براساس خبرنامه‌ی که به روز شنبه این وزارت به اطلاعات روز فرستاده، ۲۳۰ تن پیاز زعفران از سوی وزارت زراعت و ۵۰ تن پیاز دیگر از سوی مؤسسات همکار سکتور زراعت تهیه شده است و امسال ۳۴ ولایت کشور تحت پوشش مزارع زعفران قرار خواهد گرفت.

این وزارت در خبرنامه‌اش نوشته است که در حال حاضر میزان تولید زعفران به ۵,۳ تن می‌رسد و تا پنج سال آینده این رقم به ۱۴ تن افزایش خواهد یافت.

وزارت زراعت برای عملی‌سازی طرح زعفران و توسعه‌ی ساحات کشت این نبات، قادر شده در بخش‌های آموزشی، ایجاد لابراتوارها و توزیع جواز معیاری پلان‌های گسترده‌ی طرح و تطبیق کند. آموزش حدود ۵۰۰۰ نفر زعفران کار، آموزش ۲۵ نفر جهت سورت و بسته‌بندی

رییس‌جمهور غنی در مراسم تدفین رییس‌جمهور ازبکستان شرکت کرد

می‌کند. به گفته‌ی عبدالله، در دوران زعامت آقای کریم‌اف روابط دو کشور در عرصه‌های مختلف بهبود یافت و هر دو کشور در مبارزه با تهدیدات مشترک گام‌های مؤثری برداشتند. در اعلامیه آمده که حکومت افغانستان خواهان تقویه و گسترش هرچه بیشتر این روابط و همکاری میان افغانستان و ازبکستان می‌باشد و امیدوار است در مرحله‌ی جدید روابط اقتصادی و همچنان همکاری‌های مشترک برای مبارزه با تهدیدهای منطقه‌ی افزایش یابد.

را به نمایندگی از حکومت و مردم افغانستان به مقامات حکومتی و مردم ازبکستان، ابراز خواهد کرد. عبدالله عبدالله، رییس‌اجرایه‌ی افغانستان نیز با نشر اعلامیه‌ی گفته است که از شنیدن درگذشت آقای کریم‌اف سخت متأثر شده است. آقای عبدالله گفته که افغانستان و ازبکستان به‌عنوان دو کشور همسایه و مسلمان مشترکات تاریخی- فرهنگی فراوانی دارند و در عین زمان خطرات مشترکی صلح و امنیت هر دو کشور را تهدید

و از سال ۱۹۸۹ قدرت را در ازبکستان در دست داشت. او در سال ۱۹۹۱، پس از فروپاشی شوروی، رییس‌جمهور ازبکستان شد. جسد آقای کریم‌اف روز گذشته طی مراسم باشکوهی با حضور سران و رهبران شماری از کشورهای جهان در زادگاهش شهر سمرقند به خاک سپرده شد. ارگ ریاست‌جمهور افغانستان می‌گوید که آقای غنی بر علاقه‌ی اشتراک در مراسم جنازه‌ی کریم‌اف، مراتب همدردی و تسلیت عمیق خویش

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی صبح دیروز برای شرکت در مراسم نماز جنازه‌ی اسلام کریم‌اف رییس‌جمهور ازبکستان، به سمرقند رفت و شام روز گذشته به کابل مراجعت کرد. رییس‌جمهور ازبکستان شنبه ۶ سنبله بر اثر سکته‌ی مغزی به شفاخانه منتقل شد و شنبه‌شب دولت این کشور رسماً اعلام کرد که آقای کریم‌اف در اثر خونریزی مغزی در شفاخانه درگذشت. اسلام کریم‌اف ۷۸ ساله، پیش از فروپاشی اتحاد شوروی رهبر حزب کمونیست ازبکستان بود

داریانا افغان هوایی شرکت

ARIANA AFGHAN AIRLINES

آریانا با یک دنیا افتخار، صداقت و خدمت گذاری صمیمانه

همگام با شما در ثواب حج شریک خواهد بود.

ما میزبان صمیمی و دلسوز شما همچنان می باشیم

Facebook.com/flyariana

ariaana.afghan.ariana

twitter.com/flyARIANAafghan

youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333

+93(0)700071333

+93(0)790071333

+93(0)786071333

www.flyariana.com

info@flyariana.com

شرکت سیاحتی و توریستی یاس نماینده رسمی شرکت هوایی ماهان ایر جدیداً پرواز ترانزیت از طریق کشور ایران را با نازل ترین نرخ در بازار افغانستان شروع نموده است. قابل ذکر است؛ که مسافری محترم میتواند بدون اخذ ویزا ترانزیت ایران، بمدت ۲۴ ساعت در میدان هوایی ایران مقیم شوند.

مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه
کابل- تهران- آلماتا	\$489	\$635	کابل- تهران- ایروان	\$412	\$825	کابل- تهران- دولسدورف	\$415	\$992
کابل- تهران- بیجینگ	\$644	\$724	کابل- تهران- کیف	\$395	\$803	کابل- تهران- انقره	\$377	\$547
کابل- تهران- شانگهای	\$644	\$724	کابل- تهران- مونیخ	\$415	\$576	کابل- تهران- ایربیل	\$374	\$584
کابل- تهران- گانزو	\$629	\$724	کابل- تهران- میلان	\$531	\$581	کابل- تهران- نجف	\$413	\$865
کابل- تهران- بنکاک	\$578	\$1217	کابل- تهران- کوپن هاگن	\$498	\$595	کابل- تهران- دبلی	\$369	\$478
کابل- تهران- کوالا لامپور	\$644	\$1170	کابل- تهران- پاریس	\$429	\$629	کابل- تهران- دمشق	\$418	\$836
کابل- تهران- دهلی	\$442	\$620	کابل- تهران- استانبول	\$397	\$544	کابل- تهران- مسکو	\$452	\$972